گفتگو;حجت الاسلام والمسلمين زادهوش \"آسيب‌شناسي مديريت مبلغان و موضوعات تبليغ در حوزه زن و خانواده\"

گفتگوي حوراء با حجت‌الاسلام احمد زادهوش معاون پژوهشي دفتر تبليغات اسلامي قم

احمد زادهوش تحصيلات خود را در حوزه تا خارج فقه ادامه داده و اکنون معاون فرهنگي- تبليغي دفتر تبليغات اسلامي قم است وي همچنين در دانشگاه سوره مشغول تدريس مي‌باشد.

فاطمه قاسم‌پور

- نهاد تبليغ چقدر به مسئله زن و خانواده توجه دارد؟

پژوهش‌ها نشان مي‌دهد نهاد تبليغ به مسئله ز ن و خانواده بسيار توجه دارد و در اين زمنيه کارهاي زيادي صورت گرفته است. براي مثال دفتر تبليغات اسلامي نشريه‌اي به نام «پيام زن» را براي زنان منتشر مي‌کند و برخي نهادهاي ديگر نيز در اين راستا فعاليت‌هايي دارند. علت اين توجه هم آن است که ما، زنان را تنها مخاطب تأثيرپذير نمي‌بينيم؛ بلکه آنان را چه در خانواده و چه در اجتماع عنصري تأثيرگذار به‌شمار مي‌آوريم؛ توجه به زنان از اين جهت، ضرورت و اهميت بيشتري دارد.

 زن در تبليغ مي‌تواند به مثابه فاعل و يا به عنوان مخاطب باشد؛ نهاد تبليغ در کدام حوزه فعاليت بيشتري داشته است؟

 دشوار است بتوان تعداد و ميزان اين فعاليت‌ها را مشخص کرد. اما دست‌کم در دهه اخير در هر سه موضوع تحولات چشمگيري داشته‌ايم. در موضوع مبلغان زن، اتفاقات جديدي رخ داده است. براي مثال تشکيل مرکز مديريت حوزه‌هاي علميه خواهران، تحول بزرگي به شمار مي‌آيد. در گذشته مدرسه‌ها و مکتب‌هاي انگشت‌شماري وجود داشت که به ‌صورت پراکنده و خانگي در اين زمينه فعاليت مي‌کردند، اما امروزه چندصد مدرسه مخصوص خواهران در سراسر کشور فعال است. خروجي‌هاي اين مدارس در جامعه ظهور و بروز يافته‌اند خلأ اين پديده در گذشته، بسيار احساس مي‌شد. حضور و ارتباط خانم‌ها در عرصه پژوهش، رسانه‌ها و در جلسات و محافل خانگي، به تدريج به شبکه قابل‌ قبول تبليغي تبديل ‌شد که تعدادشان خوب و فعاليتشان نيز مفيد است. حضور همسران مبلعان، در دفتر تبليغات، پديده‌اي نوظهور است که برخي از آنها تحصيلات حوزوي دارند و برخي ديگر آموزش‌هايي مي‌بينند و مي‌توانند در کنار همسران مبلغشان فعاليت کنند.

کيفيت فعاليت اين مبلغان در مقايسه با آنهايي که همسرانشان مبلغ نيستند، بهتر است.

 مسئله زن و خانواده موضوعي جهاني شده است و تهديد‌هاي بيروني و همچنين آماري که در خصوص بزهکاري و مفاسد اخلاقي زنان وجود دارد، هشداري براي نهاد خانواده به‌شمار مي‌آيد. امروز نه تنها نهاد تبليغ بلکه نهادهاي آموزشي و رسانه‌ها، به موضوع زن و خانواده توجه پيدا کرده‌اند، در حالي‌که پيش از اين فعاليت‌هايي در اين ابعاد وجود نداشت. اما نمي‌توان به طور قاطع تعيين کرد کدام يک از اين مقولات بيشتر مورد توجه قرار گرفته ‌است.

به نظر شما چقدر با نقطه ايده‌آل فاصله داريم و براي رسيدن به نقطه مطلوب چه کارهايي بايد انجام گيرد؟

روشن است که تا نقطه مطلوب فاصله زيادي وجود دارد. بيش از نيمي از جامعه ما، حداقل‌هايي از آموزه‌هاي ديني را نمي‌دانند. حتي در مناطقي که زنان تحصيل‌کرده هستند، با توجه به نوع سؤالاتي که مطرح مي‌شود و با توجه به برخي سنجش‌هايي که صورت مي‌گيرد، درمي‌يابيم درصد بالايي از اين افراد به حداقل‌هاي آموزه‌هاي ديني آگاهي ندارند تا چه رسد به آموزه‌هاي اخلاقي و عملي. اما اينکه چه بايد کرد تا به نقطه مطلوب برسيم، همان نکته‌ مهمي است که رهبر فرزانه انقلاب به آن تأکيد کردند و آن مهندسي فرهنگي است که در کجا قرار داريم و به کجا بايد برسيم.

مهندسي فرهنگي در کشور ما پديده‌اي نوظهور است. هم‌اکنون در فرهنگ عمومي و ديني ما يک آشفته‌بازاري وجود دارد؛ به اين معنا که حتي مرجع اصلي فرهنگ کشور نيز ابهام دارد. براي مثال شوراي عالي انقلاب فرهنگي نقش محوري، پررنگ و قابل‌قبولي در ميان نخبگان ندارد، زيرا تکليف را روشن نکرده است و ورود به حوزه مهندسي فرهنگي به معناي عملياتي که نهادها را درگير کند و فعاليت‌ها را رصد کند، نداشته است. برخي نهادها موازي‌کاري مي‌کنند و کارشان اصطکاک و تناقض دارد و با اين روش، قطعاً نمي‌توانيم به نقطه مطلوب برسيم؛ در راهي حرکت مي‌کنيم که ابهامات زيادي دارد و گاه پيش پاي خود را هم نمي‌بينيم و خيلي تکليف مشخص نيست.

شما به ناآگاهي مخاطبان اشاره کرديد؛ در مورد موضوع مهمي به نام خانواده، نهاد تبليغ چه ميزان فعاليت داشته است و به چه ميزان تأثيرگذار بوده است؟ در آموزش مبلغان، مسئله زنان و خانواده، چقدر اهميت دارد و به چه ميزان آموزش ديده‌اند؟ آيا آنان به اين آمادگي رسيده‌اند که بتوانند اين مسئله را به مخاطبان منتقل کنند و در نهايت جريان اصيلي که در اين زمينه بايد اتفاق بيفتد شکل بگيرد؟ نهاد تبليغ چقدر در مورد اين موضوعات حساس است و به چه بخش‌هايي از مسائل زنان و خانواده مي‌پردازد؟

موضوع زنان موضوعي چند وجهي، حساس، پيچيده و تأثيرگذار است؛ مهم‌ترين موضوعاتي که معمولاً‌ مورد توجه است،‌ بحث عفاف، حجاب و حيا است که شدت و ضعف و سلامت داشتن يا نداشتن آن در جامعه و خانواده، تأثيري عميق و جدي‌ دارد؛ اين مسئله هميشه دغدغه مراجع تقليد و نهادها و عناصر تبليغي بوده است. موضوع ديگر، نقش زنان به عنوان مادر و همسر در استحکام و سلامت خانواده است. آنان بايد در هر دو شأن، اخلاق همسري و مادري را خوب رعايت کنند و اين شأن را براي خود بپذيرند. خوب يا بد عمل کردنشان در سلامت جامعه و خانواده بسيار تأثيرگذار است. يکي از نشانه‌هاي توجه ما نسبت به اين موضوع اين بود که امسال به چند هزار مبلغي که در فصل تابستان به سراسر کشور اعزام کرديم، کتاب «عوامل تحکيم خانواده»، تأليف آقاي ري‌شهري را هديه داديم که در امر تبليغ به آنها کمک کند، آزموني از اين کتاب برگزار مي‌شود و به برترين‌ها هدايايي اهدا خواهد شد. اين کتاب علاوه بر مباحث جذاب و زيبا، دسته‌بندي‌هاي مفيدي ارائه مي‌کند.

جلسات مذهبي در تهران وجود دارد که شايد نياز به بررسي جدي داشته باشد، آيا جلسات مذهبي و زناني که در اين جلسات که با عنوان «خانم جلسه‌اي» فعاليت مي‌کنند نياز، به آسيب‌شناسي ندارند؟ افرادي هستند که براي امر تبليغ چندان آمادگي ندارند، اما منبرشان پر رونق است. نهادهاي تبليغي چه دغدغه‌هايي در اين خصوص دارند؟

لازم است در بحث زنانه شدن تبليغ، چند ملاحظه صورت گيرد. گمان مي‌کنيم وجه غالب جلسات مذهبي را زنان تشکيل مي‌دهند، در حاليکه جلسات مردانه هم زيادند. در هيئت‌هاي دانش‌آموزي و دانشجويي و اردوهايي که وجود دارد، بيشتر مردان هستند و حضور زنان اندک است. از طرف ديگر فراغت زنان براي حضور در اين جلسات بيشتر است، زيرا معمولاً کمتر‌ به کارهاي اداري اشتغال دارند. از طرف سوم، علت تشکيل برخي از اين جلسات مانند جلسات مثنوي‌خواني، کم بودن تفريح‌هاي ويژه زنان، مانند پارک يا کلوپ‌ها و همچنين کارهاي دسته‌جمعي ميان آنان است. به همين دلايل، جلسات مذهبي رونق زيادي در ميان زنان دارد. چنين جلساتي، کارکردهاي متفاوتي دارد؛ از گرفتن مد و الگوي لباس گرفته تا مسائل مربوط به واسطه‌گري‌هاي ازدواج؛ اين سخن بدان معنا نيست که اين افراد تعلق مذهبي ندارند؛ اما علت توجه زياد به اين جلسات آن است که در حواشي آن، برکاتي وجود دارد. نکته ديگر اينکه گاهي اداره‌کنندگان اين جلسات،‌‌ صلاحيت ندارند؛ اين واقعيت از دو جهت قابل توجه است؛ يکي اينکه تبليغات مذهبي حکومتي و دولتي نيست و طبيعتاً‌ اين آسيب‌ها را هم به دنبال دارد. اين امر در مورد جلسات مردان هم صدق مي‌کند. براي مثال برخي از آنان سابقه تحصيل در حوزه را ندارند، اما چون يک پيشينه مطالعاتي پرحجمي دارند يا قدرت بيان آنان خوب است يا وجهه‌‌هاي عرفاني، سياسي خاصي دارند، منبرشان پررونق مي‌شود.

علت اين امر آن است که شبکه تبليغ زير نظر حکومت و دولت نيست؛ اين هشدارها، موجب شده است تا اقداماتي از درون حکومت اتفاق بيفتد. براي مثال‌ نيروي انتظامي هر از گاهي با اين افراد برخورد مي‌کند و اگر گزارش‌هاي بدي بيايد، اين جلسات را محدود مي‌کند.

هر چند سازمان تبليغات اين جلسات را شناسايي کرده است و کساني را که نياز به آموزش داشته‌اند، حمايت مي‌کند و آنهايي را که روش غلطي داشته‌اند، نهي مي‌کند، اما هنوز سازوکاري عملياتي براي محدود کردن اين جلسات وجود ندارد.

آيا مي‌توان با قواي قهريه با اين افراد برخورد کرد؟

برخي مبلغان توانايي هنري، فني و حرفه‌اي دارند ولي ضعف اطلاعات دارند. مي‌توان آنان را آموزش داد، اما برخي افراد افکار انحرافي را ترويج مي‌دهند که اگر اثبات شود مي‌توان آنان را محدود کرد. براي فعاليت نکردنشان تعهد گرفت.

اين جلسات با فکر، عقيده، ناموس و مال مردم سروکار دارند و بايد از حلال و حرام بگويند؛ همان‌گونه که لازم است برخي فعاليت‌هاي سياسي محدود ‌شود، اين افراد و اين جلسات براي محدود شدن به مراتب، مهم‌تر از جلسات سياسي هستند.

غير از قوه قهريه، آيا برنامه‌ريزي خاصي انجام شده است؟

تربيت و اعزام و پشتيباني مبلغان بر عهده سازمان تبليغات اسلامي است. يعني هم آموزش مطرح است وهم پشتيباني‌هاي فکري و مطالعاتي براي آنان فراهم مي‌شود و اعزام مبلغان و به کار‌گيري و نظارت بر عملکرد آنان نيز بر عهده سازمان تبليغات است. در خصوص جلسات بانوان نيز از سوي سازمان تبليغات اسلامي اقداماتي مانند شناسايي و آموزش بانوان صورت گرفته است. اما نظم و نسق قانونمندي نداشته است.

 شايد در گذشته تبليغات مذهبي بيشتر به‌صورت خانوادگي برگزار مي‌شد و همين‌که زن و شوهر تحت يک آموزش قرار مي‌گرفتند به نفع کل خانواده بود، اما امروزه به دليل مشغله‌هاي بيشتر آقايان فقط خانم‌ها در اين جلسات شرکت مي‌کنند و يا هر يک از زن و شوهر در جلسه‌اي متفاوت از جلسه همسرش شرکت مي‌کند. در اين حالت ممکن است براي مثال زن به دليل بروز عجب نسبت به شوهرش، ولايت‌پذيري نداشته باشد. گاهي نيز ممکن است به دليل متفاوت بودن جلسات، آموزش‌هاي متفاوتي دريافت ‌شود که جنس آن با آموزه‌اي که طرف ديگر دريافت مي‌کند، متفاوت باشد. چگونه مي‌توان اين مشکل را حل کرد؟

در گذشته جلسات خانوادگي مذهبي بيشتر در شهرهاي مذهبي وجود داشت که هم‌اکنون تقريباً منسوخ شده است. بسياري از خانواده‌ها، روحاني خانواده داشتند و اين روحاني به «آقاي هفتگي» معروف بود. اين آقا در هفته يک جلسه‌ در خانواده‌ها حاضر مي‌شد و احکام و اخلاق مي‌گفت و در پايان ذکر مصيبتي هم مي‌کرد.

سازمان تبليغات اسلامي براي احياي سنت تبليغ خانوادگي سنت، طرحي را با عنوان «کارشناس ديني خانواده» در دست مطالعه دارد که آيين‌نامه آن در دست تدوين است. اين جلسات در برخي شهرها مانند اصفهان همچنان وجود دارند، اما به صورت مناسبتي برگزار مي‌شوند و فراگير هم نيستند.

 آنچه موجب شده اين جلسات کم شوند،‌ حضور تلويزيون در خانواده‌هاست و البته تلويزيون نيز آگاهي‌هاي زيادي به خانواده‌ها مي‌دهد.

آيا تلويزيون کارکرد نهاد سنتي تبليغ را دارد؟

هر چند برنامه‌هاي تلويزيون به صورت چهره‌به‌چهره نيست، اما فراگيرتر از سيستم سنتي است. براي مثال بسياري از روستاها حتي يک امام جماعت‌ ندارند. فراگير بودن برنامه‌هاي سيما به قدري مهم است که هيچ‌چيز نمي‌تواند جاي آن را پر کند. اخيراً آقاي ضرغامي، رياست سازمان صدا و سيما، در جلسه‌اي اعلام نياز کردند و دفتر تبليغات هم موظف شد چهره‌هاي جديد و تأثيرگذار را معرفي کند تا برنامه‌هاي مذهبي عمق بيشتري بگيرند.

ما گاه و بيگاه در نمايشگاه‌ها و در اجتماعات مقطعي که ايجاد مي‌شد، افرادي را اعزام مي‌کرديم تا به سؤالات مذهبي مردم پاسخ بدهند که استقبال زيادي شد. اخيراً‌ افراد زيادي از مردم و مديران تقاضا کرده‌اند حضور، پاسخگويي به سؤال‌ها و چهره‌به‌چهره بودن مبلغان با مردم را زياد کنيد؛ براي مثال مبلغان‌ در مجتمع‌هاي تجاري،‌ نمازجمعه‌ها، پارک‌هاي شلوغ و متروها حضور داشته باشند که البته کار دشواري است. هر چند اين طرح مي‌تواند بسيار تأثيرگذار باشد، اما آسيب‌هايي نيز دارد، زيرا مديريت و تدارک چنين کاري دشوار است. محيط آزاد براي سؤال و جواب، به محلي آرام و امن نياز دارد که کار را سخت مي‌کند. تدبير ظريف و کارساز مي‌خواهد و زيرساخت‌ها و آيين‌نامه‌ها و دوره‌هاي آموزش خاصي را مي‌طلبد.

آيا در اين مشاوره‌ها بحث خانواده نيز در دستور کار قرار دارد؟

بحث خانواده جزء بحث‌هاي اصلي است. موضوعاتي مانند تربيت فرزندان، اختلافات زناشويي، مشاوره‌هاي پيش از ازدواج و مشاوره‌هاي طلاق.

-شما فرموديد عفاف و حجاب و حيا از جمله حوزه‌هايي است که نهاد تبليغ، روي آن تأکيد داشته و فعاليت‌هايي نيز در اين زمينه انجام شده است.

 متأسفانه ما در بحث خانواده، روز به روز با آموزه‌هاي ديني فاصله مي‌گيريم. آيا نهاد تبليغ، نسبت به اين مسئله نيز برنامه‌ريزي هوشمندي دارد و آيا جريان و آسيب‌هاي آن را شناخته است و آيا مبلغين را در اين خصوص دغدغه‌مند مي‌کند؟

خوشبختانه کانون‌هاي پژوهشي و محققاني که به‌طور حقوقي يا حقيقي، پشتوانه‌هاي نهاد تبليغ به‌شمار مي‌آيند. در اين خصوص جريان‌شناسي‌ها، تحليل‌ها وهشدارهاي روشن و منسجمي را ارائه کرده‌اند که از جمله آنها جريان‌شناسي فمينيسم است. گرچه برخي از اين جريانات (که به کم‌رنگ شدن عفاف وحيا و عرفي‌سازي ناهنجاري‌هاي اخلاقي مي‌انجامد) در رسانه‌ها و توليدات فرهنگي و هنري جامعه نيز ريشه دوانده و تأثير منفي به جاي گذارده است، اما همواره شبکه تبليغ و رسانه منبر، چنين آسيب‌هايي را برمي‌شمرد و به متوليان امور و مخاطبان عام خود هشدار مي‌دهد.